

صحیفة الزهراء علیه السلام

[253] بخدا سوگند صبح کردم در حالیکه نسبت به دنیای شما بی میل و نسبت به مردان

شما ناراحتم، آنان را از دهان خویش بدور افکنده، وبعد از شناخت حالشان به آنان بغض ورزیدم، پس چه زشت است کندی شمشیرها و سستی بعد از تلاش و سر بر سنگ خارا زدن، و شکاف نیزه ها و فساد آراء و انحراف انگیزه ها، و چه زشت است ذخیره هائی که پیش فرستادند، و خداوند بر آنان خشم گرفته و در عذاب جاودانه خواهند بود، بدون شك مسئولیت این عمل بعهدہ ایشان بود و سنگینی آن بدوششان است، و ننگ و عارش دامنگیرشان می گردد، پس این شتر بینی بریده و زخم خورده باشد، و گروه ستمکاران از رحمت الهی بدورند. وای بر آنان، چگونه خلافت را از مواضع ثابت و بنیانهای نبوت و ارشاد، و محل هبوط جبرئیل، و آگاهان به امور دین و دنیا دور ساختند، آگاه باشید که این زیان بزرگی است، و چه عیبی از علی (علیه السلام) گرفتند، بخدا سوگند عیب او شمشیر برانش، و بی اعتنائی به مرگ، و شدت برخوردش، و عقوبت دردناکش، و اینکه غضبش در راه رضای الهی بود. بخدا سوگند اگر از راه روشن بدور رفته، و از پذیرش طریق مستقیم کناره می گرفتند، آنانرا بسوی آن آورده و بر آن وامی داشت، و به سهولت براهشان می برد، و این شتر را سالم به مقصد می رساند، که راهبرش را دچار زحمت نکند و سواره اش را ملول نگرداند، و آنان را به محل آب خوردنی می رساند، که آبش صاف و فراوان بوده و از آن لبریز باشد و هرگز کدر نگردد، و ایشان را از آنجا سیراب بیرون می آورد، و در پنهان و آشکار برایشان ناصح بود.
